

اشاره: سال پیش بود که کشف گورهای جمعی کودکان بومی در کانادا جهان را شوکه کرد؛ چندین کشف بی‌دربی، این سریال کابوس‌ها همچنان ادامه دارد و امسال نیز دوباره و در چندین نوبت گورهای جدیدی کشف شد. شرح ماجرا را به طور کامل در **این مقاله خواهید خواند که «دل پر ز خون» می‌کند؛ اما در پی توضیح آن‌چه گذشته پرستی مطرح می‌شود از بی‌پهره ماندن سرخ‌پوستان بومی کانادایی از حقوقشان و سپس در توضیح نژادپرستی شایع در کانادا به مثابه انگیزه جنایات علیه سرخ‌پوست‌های بومی، این بیماری روانی- اجتماعی- اندیشه‌ای محل تأمل قرار می‌گیرد.**

سرویس خارجی
امین‌الاسلام تهرانی

سال گذشته، اوایل خرداد ماه، بود که در یک گور جمعی اجساد دست‌کم ۲۱۵ کودک بومی (سرخ‌پوست) که برخی از آنها حدود سه سال سن داشتند، در محوطه یک مدرسه شبانه‌روزی کاتولیک در استان «بریتیش کلمبیا» کانادا پیدا شد. در روزهای ابتدایی این ماه نیز اخبار تکان‌دهنده دیگری در این مورد منتشر شد؛ یک گروه بومی دوباره خبر داد که بقایای بیش از ۷۵۰ تن که عمدتاً از کودکان بومی کانادا بودند، این بار در محوطه یک مدرسه سابق کاتولیک در استان «ساسکاچوان» کشف شده است. این پایان سریال خبرهای تلخ نبود، جامعه «فرست نیشن» (First Nation) از مهم‌ترین اقوام بومی کانادا اعلام کرد که در نزدیکی شهر «کرنبروک» ایالت بریتیش کلمبیا ۱۸۲ قبر ثبت نشده کشف شد. جامعه بومیان کانادا اعلام کرد که از سال گذشته با استفاده از فناوری در حال جست‌وجو مناطق اطراف مدرسه کاتولیک‌های «سینوجو اوژن» بوده که طی سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۷۰ فعالیت می‌کرده است. گفته می‌شود در بسیاری از موارد این کودکان هنگام آموزش فرهنگ سفیدپوستان مهاجر کاتولیک مورد ضرب و شتم و سوءاستفاده‌های جنسی قرار می‌گرفتند، گرسنگی می‌کشیدند، از درمان محروم می‌مانند و…

بر اساس گزارش ۲۰۱۵ خود دولت کانادا که سال‌ها پیش از کشف این گورها منتشر شده بود، دانش‌آموزان در مدارس شبانه‌روزی اغلب بر اثر ابتلا به بیماری‌هایی چون سل که به سرعت در مکان‌های تنگ و فشرده و غیر بهداشتی گسترش پیدا می‌کند، فوت کرده‌اند و این که اکثر این کودکان دچار سوء تغذیه بوده‌اند. همچنین طبق گزارش‌ها، بسیاری از این کودکان بومی در مدارس شبانه‌روزی بر اثر خودکشی، آتش‌سوزی و حوادثی مرتبط با کارهای طولانی و سخت و طاقت‌فرسا یا یخ‌زدگی در حین تلاش برای فرار از مدرسه جان خود را از دست داده‌اند. همچنین برآوردها حاکی از آن است که دست‌کم ۴۰۰۰ کودک کشته شده‌اند. روزنامه آمریکایی واشنگتن پست گزارش داده که کمیسوز حقیقت و آشنی کانادا در گزارش سال ۲۰۱۵ خود نیز نتیجه‌گیری کرده بود که آنچه در مدارس شبانه‌روزی بومی‌های کانادا رخ داده، «نسل‌کشی فرهنگی» بوده است. برخی مقام‌هایی که در تلاش هستند تا این گورهای جمعی را پیدا و قهرشنی از کودکانی نیاز داریم، کنند که در این مدارس جان خود را از دست داده‌اند، در سال ۲۰۱۸ به روزنامه آمریکایی واشنگتن پست گفتند که فقدان منابع و اسناد گمشده مانع از پیشرفت در این زمینه شده و ترس از تخریب و نابودی گورهای بی‌نشان تا حد زیادی افزایش یافته است. در گزارشی در سال ۲۰۱۵ آمده بود که اسناد مدارس اغلب از بین رفته و در برخی از موارد، مسئولان مدارس اسامی دانش‌آموزانی که فوت شده‌اند، علت مرگ و یا گزارش این موارد به والدینشان را به هیچ عنوان ثبت نکرده‌اند.

گزارشی که به سفارش دولت کانادا در سال ۲۰۱۲ منتشر شده بود نیز خاطرنشان کرده بود که آثار سوء اجزای طرح اعزام اجباری کودکان بومیان به مدارس شبانه‌روزی انگلیسی زبان، موجب پدید آمدن نسلی آزرده شد. دولت کانادا هم تاکنون میلیاردها دلار غرامت پرداخت کرده است. باید دید آیا در این مورد حاضر به پذیرش مسئولیت خود خواهد شد؟

اواخر دی‌ماه بود که گروهی بومی در پایانه‌ای اعلام کرد، از رادر نفوذ به زمین در منطقه بوستان مدرسه شبانه‌روزی بومیان سننت مری در کنورا، واقع در استان اونتاریو استفاده شده است. در این بیانیه آمده است: «به استثنای پنج قبر از ۱۷۱ گور کشف شد» که مشخصات داشتند، مابقی ناشناس بودند». این رادر تأسیست سه‌شنبه پیش با شناس بزرگ از شناسایی کند، بنابراین بدون بررسی‌های بیشتر مشخص نیست که آیا همه این گورها شامل بقایای انسان هستند یا خیر. این گروه بومی گفت، تحقیقات بیشتر در دیگر سایت‌ها انجام خواهد شد که از طریق شهادت دادن بازماندگان، ارزیابی باستان‌شناسی و تحقیقات باگنایی شده، شناسایی شده و نشان می‌دهند که کارمندان سابق مدارس شبانه‌روزی کودکان بومی آداب تدفین را انجام داده‌اند. در بهمن ماه نیز دوباره خبر از کشف گورهای دیگری منتشر شد تا این پندار را تقویت کند که گویی این سریال کابوس‌ها پایانی ندارد.

در همان سال گذشته سریالی از آش‌زدن کلیساهای کاتولیک کانادا -به مثابه یکی از مسئولین این جنایت- به راه افتاد که تحقیقات پلیس در مورد آن ادامه دارد، اما شبکه «سی‌بی‌سی» کانادا می‌گوید این آتش‌سوزی‌ها در مناطق بومی‌نشین (سرخ‌پوستان) و از سوی گروه‌های بومی رخ داده است. این اقدام انتقामी از کلیسای کاتولیک تفسیر شده است. البته «جانستین تروود» نخست‌وزیر کانادا همان موقع آن چه را که موج تخریب و آتش‌سوزی کلیساهای کاتولیک در سراسر این مستقر کشور خواند، محکوم کرد و گفت این راه‌حلی برای آسیب‌های ایجاد شده مرتبط با مدارس شبانه‌روزی بومیان این کشور نیست. تروود افزود، تبعیضی را که بسیاری از مردم این کشور از زمانی که اقوام اولیه کانادا از کشف گورهای ناشناخته در محل مدارس شبانه‌روزی فرانسوی‌نشین کانادا (استان «کبک» کنونی) را

دریچه‌ای به جهان khareji@kayhan.ir

گزارش فوق زمانی دردناک‌تر می‌شود که بدانیم: «حقوق بشر، بخش اصلی قانون کانادا محسوب می‌شود. منشور حقوق و آزادی‌های کانادا که برای سادگی چارتر نامیده می‌شود شامل اصول ارزش‌های اساسی است که مردم کانادا، طبق آن زندگی می‌کنند.طبق این منشور از لحظه‌ای که شما به کانادا می‌رسید از حقوق بشری و آزادی‌های شما محافظت می‌شود.» اما گویا

| به بهانه کشف مجدد گورهای کودکان بومی |

کابوس‌های بی‌پایان کانادایی

مادرزادی» خود را برتر نمی‌پندارد بلکه خود را «متمدن» و دیگری را «غیرمتمدن»، در نتیجه کنیم مفهوم حقوق بشر مفهومی خواهد بود سیال و قابل نادیده گرفته شدن. باید همچنین «نژادپرستی» که در تار و پود این تمدن رسوخ کرده را مطمحن نظر داشت. درباره این مرض روانشناختی، جامعه‌شناختی و حتی فلسفی که اساس این سنخ جنایت‌هاست بیشتر می‌پردازیم می‌کند یا حتی اردوغان تُرک را کنایه می‌زند. مگر تبار خودش به تُرک‌ها نمی‌رسد؟ در پاسخ باید رجوع کنیم به تعریف نوی، در واقع نگاه «جانسون»، نگاه «متمدن» به «غیرمتمدن» است.

«اسلام‌هراسی» و «مسلمان‌ستیزی» در غرب را نیز می‌توان تحت این سنخ از «نژادپرستی» قرار داد، چرا که بسیاری از مسلمانان در معرض تبعیض خود تباری غربی دارند، پس تبعیض علیه آنان ناشی از «پست پنداشتن نژادی» آنان نیست، بلکه به این خاطر است که «مسلمان» را منطبق با «تمدن مدرن» نمی‌دانند، در نتیجه او را «بیگانه» می‌شمارند، یونانیان باستان کسی را لایق «عدالت»



می‌دانستند که «شهروند» یونانی شمرده می‌شد و غیر را «بربر» می‌خواندند که شایسته «عدالت» و اصلاً «انسان» نمی‌دانستند. این جوسه در غرب متجدد تحت این همان قابل پیگیری است، گرچه امروز در «زبان قال» غرب با صراحت به آن اشاره نمی‌شود، اما «زبان حال» غرب، همچنان گویای این گونه از «بیگانه‌ستیزی» است. این همان معنای «نژادپرستی» است که کمتر در معرض توجه است. در غرب مدرن شخصی شایسته بهره‌گیری کامل از مواهب دنیای غرب است متعلقه را تصاحب کردند در این منطقه حضور داشتند، لایق این «حقوق بشر» نبودند و اکنون نیز چندان نیستند.

تا پس پشت این جنایت را مورد تأمل قرار داده باشیم و سیال بودن مفهوم حقوق بشر را بهتر بازتابیم کنیم.
۱. وقتی از «نژادپرستی» در غرب سخن می‌گوییم، از چه سنخ می‌گوییم؟
۲. آ. «نژادپرستی» در غرب متجدد تنها در سطح افراد و گروه‌های اجتماعی قابل مشاهده است و در ساختارها و دولت‌های مدرن هم دیده می‌شود؟ پرسش دوم، پرسشی مقبول به نظر می‌رسد، اما پرسش اول شاید عجیب در نظر آید، چرا که معنای «نژادپرستی» چنان بدیهی می‌نماید که احتمالاً پرسش بالا خوانندهٔ این سطور را متعجب کند که سؤال از معنای یک اصطلاح شناخته‌شده برای چیست؟ باید توجه داشت، همین مفهوم بدیهی را می‌توان از زوایای دیگری دید، زوایایی که در مرکز توجه نیستند و توجه به آنها نیز خالی از فایده نیست. در سطور آتی برخی وجوه اصطلاح «نژادپرستی» را توضیح می‌دهیم و گوشه‌ای از مصادیق آن را برمی‌شماریم تا ساختاری و دولتی بودن آن و فرآگیر بودنش را نشان دهیم. البته پیش از ورود به بحث نکته‌ای را یادآور می‌شویم و آن این‌که «نژادپرستی» در این‌جا «در تداول عرف مردم» به کار رفته است و الا «در زبان تخصصی علوم» از اصطلاحات گوناگونی استفاده می‌شود که هر کدام بار معنایی خاص خود را دارد که مد نظر ما نیست.

وقتی از «نژادپرستی» سخن می‌گوییم از «خود برترپنداری نژادی» می‌گوییم، یعنی «نژاد مادرزادی» خود را برتر از دیگر نژادها و نژ‌ها دانستن. این همان تعریفی است که ما از «نژادپرستی» در ذهن داریم، اما فروکاهیدن انواع «نژادپرستی» به این نوع، قطعاً تقلیل‌گرای است. «نژادپرستی» حامل معنای «تمدنی نیز هست، «نژادپرست»، در این معنا، «نژاد

حقوق بشر همواره مورد تصریح زبانی سیاستمداران و حکمرانان غربی بوده است، اما باید دو نکته را در نظر داشت:
۱. مصادق تام «بشر» در این‌جا انسان «متجدد غربی» است و نه هر انسانی.
۲. این حقوق در صورت تعارض با منافع قطعاً قابل چانه‌زنی و نادیده گرفته شدن است. یعنی حقوق بشر مفهومی سیال دارد، زیرا مفهوم پایه‌ای و مبنایی نیست



صفحه ۸

پنج‌شنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۱

۱۸ رجب ۱۴۴۴ – شماره ۲۳۳۴

سراۀ آب شربین در جهان است. در کنار همه این‌ها، گزارش سیاست دیده‌بان حقوق بشر از بی‌توجهی عجیب دولت کانادا به این مسئله مهم حکایت دارد. مسئله دیگری که بومیان کانادا با آن مواجه هستند، نقض حق برخورداری از زمین است. یکی از مسائل مهم در این زمینه موارد متعدد مناقشه بر سر عبور خط لوله از زمین‌های بومیان است. میزان افراد بومی در میان بی‌خانمان‌ها بیشتر از گروه‌های اقلیت است. سازمان عفو بین‌الملل طی گزارشی در سال ۲۰۱۹ نسبت به این مسئله ابراز نگرانی کرده است. این سازمان در گزارش خود تصریح می‌کند که با توجه به آرای دیوان عالی کانادا، دولت این کشور گماکان این حق بومیان را در موارد متعدد نقض می‌کند. گزارش دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۱۹ نیز، علاوه بر پوشش مشکلات اقتصادی و اجتماعی بومیان، به مسئله نقض حق برخورداری از زمین اشاره می‌کند و آن را یکی از معضلات حقوق بشری بومیان معرفی می‌نماید. وضعیت اقتصادی استفاک بومیان به حدی است که ۲۴ تا ۳۸ درصد از کسانی که در نوانخانه‌ها حضور دارند، از بومیان هستند. همچنین میزان افراد بومی در میان بی‌خانمان‌ها به شدت بیشتر از دیگر گروه‌های اقلیت است. مورد دیگری که همیشه پیش چشم ناظران حاضر است، وضع سیاهان آمریکایی است. خشونت پلیس آمریکا نسبت به سیاهان یا حتی همسپن‌ها (لاتینی‌های این کشور) چنان رایج است که دیگر خبرهایی کسی را متعجب هم نمی‌کنند، از مواردی که درگیری‌های فراگیری در پی دارد، مثل آنچه در سال ۲۰۱۴ در فرگوسن گذشت، یا خبرهایی که از این‌سو و آن‌سوی ایالات متحده بی‌وقفه مخابره می‌شود و نمونهٔ اخیرش قتل مینیاپولیس است که البته بررسی مستقل آن مجال دیگری می‌طلبد.

مسوادر بالا ذکر شد تا یادآور شویم «نژادپرستی» در غرب معاصر خلاصه در گروه «کوکلاس کلان»‌ها با نقاب‌های عجیب‌شان یا گروه‌هایی مانند آن نیست. تأکید می‌کنیم آنچه گفتمیم تنها بخش کوچکی از مصادیق «نژادپرستی» در عالم تجدد است و شوربخانه در قلب این عالم هنوز خون «نژادپرستی» جریان دارد. در جوامع مدرن، بین گروه‌های اجتماعی و همچنین در ساختار سیاسی و دولت‌های مدرن، بخشی از مردم چون از نژادی متفاوت‌اند یا چون یوغ آداب مشهورات غربی را می‌گردن ندارند و «متمدن» شمرده نمی‌شوند، «بیگانه» تلقی می‌شوند و در معرض «تبعیض فراگیر» قرار می‌گیرند.

افزون بر همه این‌ها که به طور کلی و ساختاری به نژادپرستی در غرب پرداخت، باید اشاره کرد که اخیراً هشدارهایی در مورد به طور خاص قدرت گرفتن راست‌های افراطی در کانادا، همچون بسیاری از کشورهای دیگر غربی، مخابره می‌شود. چندی پیش بود که خبر آمد در نیمه شبی کیسه‌های زب‌پوشی در از بورشوهری تبلیغاتی کوکلاس کلان‌ها جلوی در ده‌ها خانه در دو شهر ایالت بریتیش کلمبیای کانادا رها شده است. بوسترهایی نیز در مخالفت با اسلام و این سبک در محوطه دو دانشگاه در آلبرتا دیده شده است. پلیس گفته بود در حال بررسی این اتفاقات است و هنوز مشخص نیست که چه فرد یا افرادی پشت قضیه بوده‌اند. این رخدادها با تصویر کانادا به عنوان یک جامعه چندفرهنگی که اخیراً هم درهای اخسود را به روی پیشی س‌ی‌هزار پناهجوی سوری گشوده، در تضاد است. اما این دست اتفاقات برای پژوهشگرانی مانند «جیمز الیس» که «شبکه تحقیقات کانادا در رابطه با تروریسم، امنیت و جامعه» فعالیت می‌کنند، تعجب‌برانگیز نبود. همان موقع او گفت: «در سطح ملی، به نظر می‌رسد نگرانی چندانی نسبت به فعالیت‌های راست افراطی در مقایسه با بقیه گرایش‌های افراطی وجود ندارد. از آن حالی‌که آفاق‌های حاکی از گزند این قضیه در امان ماند. تخمین زده شده که در کانادا دست‌کم ۱۰۰ گروه راست افراطی در سال‌های اخیر فعال بوده‌اند- از گروه‌های کوچک گرفته تا گروه‌های بزرگ و سازمان‌یافته‌تر. هرچند این گروه‌ها در مقایسه با گروه‌های مشابه در آمریکا تمایل کمتری نسبت به خشونت دارند. اما آفاق‌های گویید این گروه‌ها مدت مدیدی است که با یکدیگر تبادل ایده کرده‌اند و به عقاید یکدیگر شکل داده‌اند و کانادا هم شرایط مناسبی برای قوام ایدئولوژیک آنها ایجاد کرده است.

در پایان، از باب «دفع‌دخـل مَقْدَر» و «پاسخ پیش‌گفته به پرسش و اعتراضی که مطرح خواهد شد»، گفتم حرف‌هایی تکراری و ملال‌آور ناگزیر است: مقصود از نگاشتن این نقدها، نفی هر آن‌چه در عالم تجدد وجود دارد نیست و همچنین منظور این نیست که، نابخردانه، تمام مردم مغرب‌زمین را ذیل «نژادپرستی» دسته‌بندی کنیم. منتقد نمی‌تواند آنچه در غرب با سخت‌کوشی و نظم به دست آمده را بینند، همان‌طور که نمی‌تواند این زشتی‌ها را نادیده بگیرد و با سبک‌سری این پلشتی‌ها را منکر شود، چرا که در صورت اول دچار «غرب‌ستیزی کور» و در صورت دوم مبتلا به «غرب‌ستایی نابخردانه» شده است. در پایان این نکته را یادآور می‌شویم که این معضل عظیم نژادپرستی و تبعیض علیه بومیان چنان ریشه دارد که با عذرخواهی پاپ و نخست‌وزیر کانادا حل نخواهد شد و همچنان ادامه خواهد داشت؛ چنان‌که در جای خود توضیح داده شده وقتی نژادپرستی در جامعه و ساختاری ریشه می‌دواند، حتی قسوم در اقلیتی که در معرض نژادپرستی هستند نیز گرفتار کلیشه‌های آشامیدنی بومیان نشان می‌دهد که این افراد به آب آشامیدنی آلود «با خطر بالا» دسترسی دارند. حال آنکه کانادا سومین کشور از نظر

منبع در روزنامه موجود است.